

مصدر شناسی قرآن در گفتمان مستشرقان

محمد افشاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

چکیده

مستشرقان از جمله پژوهشگرانی هستند که از قرن‌های گذشته تا عصر حاضر به مطالعات وسیعی درباره قرآن دست زده و منشا آثار گوناگونی شده‌اند. از بررسی مطالعات مستشرقان این‌گونه برمی‌آید انگیزه مستشرقان در انتخاب نوع پژوهش‌های قرآنی در یک سطح نبوده، بلکه طیف وسیعی از غرض و رزان معاند تا محققان منصف را تشکیل می‌دهند. با شروع تحول مثبت در انگیزه غربیان به قرآن، رویکرد انکار گرایانه همچنان دیده می‌شود. نوشتار حاضر، با روش توصیفی تحلیلی به تحقیق و بررسی مهمترین تلاش‌های قرآنی مستشرقان از قبیل: ترجمه قرآن، تصحیح نسخ خطی، تدوین دایره المعارف و مصدر شناسی قرآن می‌پردازد. درباره تعیین مصدر و منبع و منشا آیات قرآن کریم یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، مستشرقان چندین نظریه از جمله وحیانی بودن قرآن، الهی بودن غیر وحیانی، نظریه نبوغ، اقتباس قرآن از تورات و کتاب‌های پیشین آسمانی و نظریه فرهنگ زمانه را ارائه داده‌اند و هر طیفی یکی از این نظریات را پذیرفته‌اند.

واژگان کلیدی: مصدر، ترجمه، اقتباس، قرآن، مستشرقان.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ مذاهب اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار (ع)؛

مقدمه

مطالعات قرآنی از محورهای اساسی پژوهش‌های مستشرقان بوده است. چرا که قرآن کریم، تنها کتاب تحریف نشده آسمانی و مهم‌ترین و اساسی‌ترین متن و معارف نزد مسلمانان است و به همین دلیل سنگ بنیادین کاخ تمدن و فرهنگ اسلامی و سرچشمه اصلی اندیشه یک چهارم جمعیت جهان است که عمدتاً در شرق زندگی می‌کنند. بالطبع اولین گام لازم برای آشنایی غربیان با اندیشه‌های مسلمین و تمدن شرق، آگاهی از محتوای این کتاب آسمانی است.

اهداف مستشرقان در این زمینه نیز متفاوت است، برخی به جهت اغراض سوء و بعضی به دلیل شناخت حقیقت و کنجکاوای دست به این کار می‌زنند که جمع‌بندی آن را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: پژوهش با انگیزه دینی و تبشیری، پژوهش با اهداف و اغراض استعماری اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حاکمیتی، تحقیق فقط با انگیزه‌های علمی و پژوهش با انگیزه‌های کاملاً شخصی.

در چهارده قرنیه که از ظهور اسلام می‌گذرد، تلاش‌های مختلفی در رد قرآن صورت گرفته است. نکته مهم این است که با توجه به اینکه روحیه علم‌آموزی و حقیقت‌جویی زیاد شده، اما هنوز هم ردیه نوسی وجود دارد، بنابراین نباید از فعالیت‌ها و دیدگاه‌های مستشرقان غافل ماند. این مقاله در پی یافتن پاسخ این مسائل است که مهمترین تلاش‌های قرآنی مستشرقان در رابطه با ترجمه قرآن، تصحیح نسخ خطی، تدوین دایرة المعارف و مصدر شناسی قرآن چه بوده است؟ درباره تعیین مصدر و منبع و منشأ آیات قرآن کریم دیدگاهی دارند؟

پژوهش‌های مختلفی در رابطه با قرآن پژوهی مستشرقان صورت گرفته است از جمله کتاب «شرق‌شناسی و اسلام شناسی غربیان» و کتاب «مستشرقان و قرآن» تألیف دکتر محمدحسن زمانی، کتاب «شناخت قرآن: قرآن و خاورشناسان» تألیف دکتر مجید معارف، کتاب «مستشرقان و علوم قرآن» تألیف دکتر محمدجواد اسکندرلو، و همچنین مقالات استشرافی چاپ شده در «فصلنامه علمی - پژوهشی قرآن پژوهی خاورشناسان» اما هر کدام از این کتب به صورت عمومی به فعالیت

مستشرقان در مورد قرآن پرداخته‌اند و در مقالات نیز فقط یک نظریه یا فعالیت خاصی مورد تحقیق قرار داده شده است، یا صرفاً به گزارش دادن بسنده کرده‌اند. با توجه به انگیزه بنیادین قرآن پژوهی در غرب، آن تعداد از موضوعات مصدر شناسی قرآن را در این پژوهش در دستور کار قرار داده‌ایم که حاصل آن بتواند اثبات کننده ضعفی در معارف یا سند و استحکام قرآن فعلی و یا تردیدی در وحیانی بودن و الهی بودن آن باشد. بنابراین در این مقاله سعی شده است اولاً مهمترین فعالیت‌ها و دیدگاه‌های مستشرقان، از حیث قدمت و کثرت پژوهش و نظریه در رابطه با آن موضوع انتخاب شده باشد، ثانیاً علاوه بر بیان اهداف و انگیزه مستشرقان در فعالیت‌های خود، مصدر و منبع و منشأ آیات قرآن کریم را جداگانه با روش توصیفی تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم شناسی استشراق و مستشرق

کلمه «استشراق» واژه‌ای عربی است که مصدر باب ثلاثی مزید «استفعال» بوده و ریشه اصلی آن، «شرق» است. «شرق» نیز یکی از چهار جهت اصلی (شمال، جنوب، شرق، غرب) در جغرافیا به شمار می‌رود که در زبان فارسی به آن، «خاور» گفته می‌شود. (معین، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۳۹)

به بخشی از کره زمین که در قسمت شرقی نصف النهار گرینویچ قرار دارد (مجموعه کشورهای قاره آسیا) شرق گفته می‌شود. (انوری، ۱۳۵۲: ۵/۴۴۸۲) نصف النهار گرینویچ (نصف النهار مبدأ یا نیمروز گرینویچ) به خط طولی زمین گفته می‌شود که از رصدخانه سلطنتی گرینویچ در شهر لندن عبور می‌کند. طول جغرافیایی آن به عنوان طول جغرافیایی صفر تعریف شده است. این خط فرضی که شرق و غرب را از هم جدا می‌کند، به عنوان نقطه مبدأ در جهت‌یابی بر روی کره زمین به شمار می‌رود و پایه‌ای برای اندازه‌گیری زمان به حساب می‌آید و همه نقاط مناطق زمانی طبق نقطه صفر طول جغرافیایی بنیان گذاشته شده‌اند. این نصف النهار از قطب شمال شروع شده و با عبور از کشورهای بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، الجزایر، مالی، بورکینافاسو، توگو، غنا و سرزمین شهبانو ماود در جنوبگان به قطب جنوب پایان می‌یابد. (بدیعی، ۱۳۶۲: ۱۱/۱)

کلمه «استشراق» نیز با توجه به همین معنا، در میان دانشمندان استعمال می‌شود. این واژه، معادل شرق‌شناسی و شرق‌پژوهی (خاورشناسی و خاورپژوهشی) است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲/۲۱۵۲؛ انوری، ۱۳۸۲: ۵/۴۴۸۲) و به مجموعه‌ای از تحقیقات و مطالعات غربیان یا شرقیان تحت کنترل آن‌ها درباره منطقه شرق، تاریخ، جغرافیا، کشورها، ملت‌ها، نژادها، زبان‌ها، حکومت‌ها، ادیان، مذاهب، آداب، رسوم، علوم، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، سبک‌های زندگی و دیگر امور مرتبط با آن‌ها اطلاق می‌شود. همچنین به علومی که درباره این نوع از تحقیقات و مطالعات، پژوهش، تدوین، تدریس و تحصیل می‌شوند، دانش‌های استشراقی می‌گویند.

۲. سیر تاریخی ترجمه و چاپ قرآن کریم توسط مستشرقان

برای تسلط بر یک جامعه، شناخت آن ضروری است و برای شناخت ویژگی‌های جامعه در درجه اول باید دین و اعتقادات آن را شناخت. بر این اساس، ضروری بود که مستشرقان در اولین سال‌های شروع استشراق به ترجمه قرآن از زبان عربی به زبان‌های غربی همت گمارند تا محققان و دانشمندان غرب از تعالیم آن آگاه گردند. نگاه به تاریخ ترجمه و چاپ قرآن به زبان‌های غربی که در زیر عرضه می‌شود، عمق و گستره تلاش آنان را نشان می‌دهد.

ترجمه قرآن کریم سابقه ای دیرینه دارد، زیرا اولین ترجمه آیات مبارکه سوره حمد را سلمان فارسی در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام داد و اولین ترجمه‌های موجود کل قرآن به فارسی از قرن چهارم هجری است که به نام ترجمه طبری می‌باشد. اما متأسفانه در عرصه چاپ ترجمه‌های قرآن کریم، اولین مرتبه چاپ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی سال ۱۸۳۷ میلادی در کلکته بوده است، در حالی قرآن کریم، این کتاب آسمانی ما مسلمانان از سیصد سال قبل از آن یعنی از سال ۱۵۴۳ میلادی به ترتیب به زبان‌های: لاتین، ایتالیایی، آلمانی، هلندی، فرانسوی، انگلیسی روسی، یونانی، اردو و مجاری بارها چاپ شد و به تعبیر دیگر قبل از این که ایرانیان مسلمان مستقیماً از معارف قرآن به زبان فارسی استفاده کنند، غربیان و مسیحیان و یهودیان اروپایی به مطالعه مستقیم قرآن می‌پرداختند! (بینارق، ۱۳۷۳: ۵۲)

دلیل مقدم بودن چاپ‌های مستشرقان را میتوان عقب ماندگی مسلمانان در تمدن صنعتی و عدم اهتمام دولت مردان آنها به رشد و ارتقای علوم و صنایع دانست. نخستین ترجمه قرآن در تاریخ به زبان‌های غربی، در سال ۱۱۴۳م توسط کشیش بزرگ مسیحی «پطروس عالی قدر» فرانسوی انجام گردید. وی جهت اطلاع از آموزه‌ها و تعالیم کتاب آسمانی مسلمانان که در عصر وی موجب پیدایش تمدن بزرگ اسلامی در اندلس شده بود با کمک دو راهب دیگر به نام‌های «روبرت کتون» انگلیسی، و هیرمان دالماشی (آلمانی) با استمداد از یک عرب مسلمان به نام «محمد» قرآن کریم را به زبان «لاتین» ترجمه کرد. (زمانی، ۱۳۸۵ش: ۳۱)

در قرن ۱۳م. دومین ترجمه قرآن کریم توسط «مارکوس الطلیطی» با راهنمایی اسقف «رودیک دی وادا» صورت گرفت. در سال ۱۵۹۴م. «هنکلمان» نیز ترجمه‌ای از قرآن را عرضه کرد. (الصغیر، ۱۳۷۲ش: ۵۹ و ۶۰)

در ادامه «اریفا بینی ایتالیایی» در سال ۱۵۴۷م. از روی ترجمه لاتینی کشیش عالی قدر به زبان «ایتالیایی» ترجمه کرد. (فوک، ۲۰۰۱م: ۱۸)

در قرن ۱۷ قرآن کریم توسط «سالمون شفایجر» و «الشینگر نور مبرگی» از ترجمه ایتالیایی به زبان آلمانی (همان؛ الصغیر، ۱۳۷۲: ۶۰)، از زبان آلمانی به «هلندی» (فوک، ۲۰۰۱م: ۱۸) و در نهایت اولین ترجمه دقیق قرآن به زبان «ایتالیایی» را «ماراتشی» انجام داد که ترجمه او جای ترجمه پطرس را در غرب گرفت. (همان) در ادامه «سیور دوریزه» در فرانسه به فرانسوی ترجمه کرد. (الصغیر، ۱۳۷۲: ۶۰) اولین ترجمه قرآن به زبان فرانسه توسط سفیر فرانسه در مصر به نام «آندریه دوریه» در سال ۱۶۴۷م. انجام گرفت. این ترجمه که توسط وی چاپ شد، علی رغم نارسایی‌ها و عدم دقت در آن، تنها منبع مورد استفاده فرانسویان بود، و بارها تجدید چاپ گردید، تا آن که ترجمه «سافاری» چاپ شد و جای او را گرفت. (فوک، ۲۰۰۱م: ۷۸)

اولین ترجمه قرآن به زبان انگلیسی در سال ۱۶۴۹م. از طرف کشیش «آل روس» یا «الکساروس» و در همان قرن مجدداً قرآن کریم توسط «دی . ه . کلاسمیکر» به زبان «هلندی» ترجمه گردید که سال ۱۶۸۸م. مجدداً همان ترجمه هلندی به زبان

آلمانی برگردانده شد. (همان) «دومینیک گرمانوس» آلمانی نیز در همان قرن ۱۷ قرآن را برای اولین بار در ایتالیا به لاتین ترجمه کرد. او نام ترجمه قرآن را که با ردش در سال ۱۶۵۲ تهیه کرده بود «interperitio Ilcoran» نهاد. (صادقی، ۱۳۷۹: ۵۱) «ماداجی» نیز مجدداً قرآن را به لاتین ترجمه کرد و هنگام چاپ، متن عربی آن را با حروف عربی و متن ترجمه را به حروف لاتین چاپ نمود. «جرج سیل» (۱۶۹۷-۱۷۳۶) نیز قرآن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. و ۱۳۵ بار به چاپ رسید. همراه این ترجمه، شرحها، حاشیه‌ها و مقدمه‌ای علیه قرآن وجود دارد. (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۱)

در قرن ۱۸ ترجمه روسی قرآن در «سنت پترزبورگ» توسط «سابلوکوف» انجام شد که بارها تجدید چاپ شده است. در همین قرن ترجمه دیگر قرآن به زبان فرانسوی توسط «ساواری» انجام گرفت. ترجمه قرآن کریم در سال ۱۸۴۰م. نیز توسط «کازیمیرسکی» و «اوکتاویل» مستشرق فرانسوی با همکاری «سید محمد تیجانی» انجام گرفت. (همان)

البته آمارهایی از تعداد ترجمه‌های مستشرقان به هر زبان و نیز معرفی مشهورترین مستشرقان مترجم قرآن توسط برخی نویسندگان تهیه و در کتاب‌های مربوط چاپ شده است. (فوزی، ۱۹۹۸: ۲۰۰)

در رابطه با هدف مستشرقان در ترجمه قرآن، گرچه نباید درباره همه مترجمان یک نواخت داوری کرد، اما انگیزه اکثر آنان را می‌توان از اعترافات ذیل کشف نمود.

«پطرس عالی قدر» راز اولین ترجمه قرآن به لاتین را واکسینه کردن ایمان پیروان مسیحیت با کشف و تبیین نقاط ضعف قرآن و عدم تغییر عقیده آنان در برابر جاذبه‌های ناچیز قرآن بیان می‌کند. (حاج، ۲۰۰۲: ۴۴) «آبراهام هنکلمان» نیز نشر این کتاب را نه یک حرکت دینی بلکه در راستای بررسی‌های زبان عربی و بیان ضعف‌های قرآن می‌داند. (فوک، ۲۰۰۱: ۹۸) «لود فیجوماراتشی» در سال ۱۶۹۸م. قرآن کریم را با ترجمه لاتین، مقدمه‌ای هدفمند، پاورقی‌های دفاعی از ناحیه مسیحیت و در پایان، به همراه تفسیری از دید مسلمانان چاپ و منتشر کرد. او در دفاع از کار

خویش چنین می‌نگارد: «جوهره انتشار این قرآن یک حرکت دفاعی از ناحیه کاتولیک بر ضد اسلام است». (فوک، ۲۰۰۱م: ۹۸)

۳. تصحیح و چاپ کتاب‌های اختلاف قرائت‌ها

بسیاری از کتاب‌های اختلاف قرائت‌های قرآن برای اولین بار توسط مستشرقان چاپ شد. آنان در جست‌وجوی نسخه‌های خطی علوم اسلامی در کشورهای مختلف جهان اسلام، به دنبال یافتن کتاب‌هایی در خصوص اختلاف قرائت قرآن بودند. لذا برخی از کتاب‌های اختلاف قرائت از اولین کتاب‌های چاپ شده چاپخانه‌های مستشرقان است؛ مثلاً کتاب المصاحف تألیف ابوبکر عبدالله بن ابی داود در اوایل قرن بیستم برای اولین بار توسط مستشرق معروف «آرتور جفری» احیا و تحقیق و منتشر شد.

دکتر «اسماعیل سالم عبدالعال» در مورد هدف مستشرقان از احیای کتاب‌های اختلاف قرائت‌ها این‌گونه می‌نویسد: «انگیزه مستشرقان در چاپ و نشر کتاب‌های اختلاف قرائت‌ها، شعله ور کردن آتش فتنه‌ای است که عثمان آن را خاموش کرد. آن‌گاه که مسلمانان بر یک نسخه اتفاق نظر کردند. بر همین اساس است که کتاب المصاحف تألیف ابوبکر عبدالله بن ابوداود برای اولین بار توسط یک مستشرق انگلیسی به نام «آرتور جفری» احیا و تحقیق و منتشر می‌شود. «جفری» مقدم‌های که مملو از دروغ و تهمت است نیز بر کتاب مصاحف می‌نگارد. او به این اندازه هم بسنده نکرده، بلکه کتاب القرآن، نزوله، تدوین، ترجمه و تأثیر تألیف «رژی بلاشر» را در پایان این کتاب به آن ملحق کرده است. کتاب بلاشر نیز مملو از خباثت و فریب و سخنان بیهود است». (عبدالعال، ۱۹۹۰م: ۷)

با مطالعه و بررسی نوع نگارش این کتاب‌ها می‌توان فهمید که با توجه به اکتفا مستشرقان به گزارش اختلاف مصحف‌ها با قرآن موجود و عدم گزارش تحلیل‌ها و توجیه‌های علمای دینی، در حقیقت به دنبال القا تحریف و بشری بودن قرآن موجود در ذهن مخاطب می‌باشند. به ویژه که بارها همین اختلاف مصحف‌ها توسط قرآن پژوهان غربی به عنوان یک دلیل بر تحریف و بشری بودن قرآن مطرح شده است.

۴. تدوین دایرة المعارف ویژه قرآن کریم در لیدن

از دیگر فعالیت‌های مهم مستشرقان در سال‌های اخیر، اقدام به تألیف دایرة المعارف ویژه قرآن در کشور هلند بود. آنان با همکاری تعدادی از محققان مسیحی و یهودی و نیز برخی دانشمندان مسلمان مانند: حامد نصر ابوزید و محمد آرکون، موفق به تألیف این دایرة المعارف مهم گشته و در سال ۲۰۰۳ م. منتشر کردند.

ابتکار این پروژه و سرپرستی این گروه بر عهده خانم «مک اولیف» استاد دانشگاه جورج واشنگتن بوده است. این گروه از پژوهشگران و قرآن‌شناسان غربی با دقت فراوان موضوعات متعدد و زوایای گوناگون معارف قرآن را مدنظر قرار داده و برای هر کدام مقاله‌ای علمی نگاشته‌اند.

برخی موضوعات دایرة المعارف قرآن لیدن عبارتند از: خداشناسی و معاد (خدا: فات خدا، جلال، اسلام، ایمان، رنگ خدا، تسبیح، جاودانگی، اشراق، بت پرستی و ...)، پیامبران (هبوط آدم، حوا، ادریس، اسحاق، عزیز، انجیل، اسرائیل و ...)، قرآن و سنت (عصمت، اعجاز، شفاعت، تحریف، امّی و ...)، امامت و مذاهب (امام، حمزه، مهاجرین و انصار، اسماعیلیه و ...)، احکام و حقوق (نمار، روزه، نیت، حجاب، مجسمه، فرزندکشی، اقتصاد، دعوت، عقل و ...)

خانم «جین دمن مک اولیف» در ارتباط با انگیزه تألیف آن می‌نویسد: «هدف این بود که اثر مرجعی را به صورت «بهترین توفیق قرن در باب پژوهش‌های قرآنی» ارائه دهیم، و نیز می‌خواستیم این دایرة المعارف زمینه تحقیق گسترده‌تری در باب قرآن در دهه‌های آتی را فراهم آورد. آرزوی مهم‌تر، در دسترس قرار دادن گنجینه گسترده پژوهش‌های قرآنی برای طبقه عالمان متخصص و نیز فرهیختگان بود. البته می‌توان گفت: مخاطبان این دایرة المعارف خوانندگان عمومی اعم از مسلمان و غیر مسلمان می‌باشند. در هر صورت تهیه آن به صورت «نخستین مرجع درباره قرآن به زبان اروپایی» برای همه کتابخانه‌های عمومی و تخصصی لازم و ضروری است.» (اسکندرلو، محمدجواد، «فصلنامه علمی ترویجی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی»، ش ۲۹: ۲۷۰)

اعضای اصلی هیئت تحریریه و ویراستاران این دایرة المعارف عبارتند از: خانم

جین دمن مک اولیف، استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون آمریکا «واشنگتن. دی. سی» رئیس و سروراستار؛ کلود جیلیوت/گیلیوت از دانشگاه «آیکس - ان - پراونس»؛ ویلیام گراهام از دانشگاه هاروارد آمریکا؛ و دد کدی از دانشگاه شیکاگو آمریکا؛ آندرو ریپین از دانشگاه ویکتوریا. دو نفر از جمع مشاوران نیز از نویسندگان مسلمانان مشهوراند: نصر حامد ابوزید، از دانشگاه لیدن هلند؛ محمد آرکون، از دانشگاه سوربن فرانسه. (همان)

مستشرقان علاوه بر دایره المعارف قرآنی در لابه لای دیگر دایره المعارف‌هایشان نیز به هر مناسبت موضوعات مربوط به قرآن کریم را مطرح و نظریه خود را ترویج کرده‌اند، مثلاً در دایره المعارف اسلام لیدن بیش از صد مقاله راجع به موضوعات قرآنی نوشته و عرضه کرده‌اند.

این حرکت شگفت‌انگیز، قابل توجه برای محققان حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های الهیات می‌باشد که بدانند غربیان مسیحی و یهودی تا چه اندازه و درباره چه موضوعات قرآنی مطالعه و تحقیق و قلم فرسایی کرده‌اند که حتی برخی از ما مسلمانان آن مقدار کار و همت علمی نداشته‌ایم.

۵. مصدر شناسی قرآن

مستشرقان و دانشمندان غربی صاحب نظر در شئون و مسائل قرآنی و نیز به پیروی از آنها برخی روشن فکران مسلمان متأثر از استشراق که به بررسی قرآن پرداخته و آثاری در این زمینه‌ها نوشته‌اند، درباره تعیین مصدر و منبع و منشأ آیات قرآن کریم چندین نظریه را ارائه داده‌اند و هر طیفی یکی از این نظریات را پذیرفته‌اند که در ادامه به تبیین و بررسی آن می‌پردازیم.

۱-۵. نظریه وحیانی بودن قرآن

برخی از مستشرقان همانند: دکتر موریس بوکای فرانسوی، جان دیون پورت انگلیسی، شهید دکتر ادوارد انیلی ایتالیایی منشأ قرآن کریم را وحی صریح الهی دانسته‌اند که توسط پیک وحی جبرئیل امین بر حضرت محمد نازل شده است.

(ر.ک: بوکای، موریس: ۱۳۷۲ش: مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم)
این گروه از دانشمندان غربی پس از بررسی‌های علمی فراوان وقتی به این حقیقت دست یافتند از آیین سابق مسیحیت یا یهودیت یا مانند آن دست برداشته و دین مبین اسلام را رسماً پذیرفتند و اغلب آنان کتب و مقالاتی را در این زمینه تألیف و به جامعه بشری عرضه کردند، اسامی تعداد زیادی از آنان در کتاب مستقلی جمع آوری و منتشر شده است. (ر.ک: عبداللہی خوروش، حسین، ۱۳۶۲ش: فرهنگ اسلام شناسان خارجی)

۲-۵. نظریه الهی بودن غیر وحیانی

گروهی از مستشرقان غربی مانند پروفیسور هانری کربن فرانسوی، ایزوتسوی ژاپنی، توماس کارلایل اسکاتلندی و جرجی زیدان مسیحی به این نتیجه رسیدند که معارف قرآن آنقدر عالی و منطبق با آموزه‌های الهی است که قطعاً یک نوع پیوندی با خدا دارد و احیاناً به نحوی مورد عنایت و لطف خدا بوده است. لذا موجب نجات مردم جزیره العرب و عامل سعادت میلیاردها انسان مسلمان در طول تاریخ گشته است.

(شایگان، ۱۳۹۲: ۱۰۶؛ ایزوتسو، ۱۳۶۸: ۴۳؛ کارلایل، بی تا: ۸۳)

آنان تصریحی به نزول وحی خداوند بر حضرت محمد و منشأ مستقیم وحیانی آیات قرآن نکرده‌اند، و لذا قرآن را یک کتاب آسمانی وحیانی و اسلام را به عنوان آخرین دین الهی ندانسته و به آن نگروده و همچنان بر آیین مسیحی یا یهودی خویش باقی مانده‌اند، اما در جای جای نوشته‌های خود به تجلیل از کمالات و آموزه‌های سعادت بخش و عقاید رئالیستی و واقع بینانه و توصیه‌های حکیمانه اخلاقی قرآن و کمالات و فضائل اخلاقی حضرت محمد ﷺ و یاران ایشان و خدمات اسلام و مسلمانان به بشریت در طول تاریخ و نقش الهام بخش تمدن مسلمانان به غربیان و سهم مسلمانان را در پایه گذاری تمدن جدید غرب پرداخته‌اند. (زمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۷)

نام و عبارات و اعترافات آنان را جناب آقای حسین عبدالله خوروش در دو جلد کتاب به نام اعترافات خاورشناسان گردآوری کرده است.

۳-۵. نظریه نبوغ

جمعی از قرآن پژوهانی که نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند و حیانی بودن معارف قرآن و الهی بودن منشأ و مصدر آن را درک کنند، در مواجهه با انبوه معارف قرآن و جامعیت آن در همه ابعاد فلسفی، عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی، خانوادگی، عرفانی، و برتر بودن فهم آنها از سطح دانش و عقل بشر عادی - آن هم در جزیره العرب توسط یک انسان امی و درس نخوانده - به ناچار نظریه «نبوغ» را اختیار کرده و حضرت محمد ﷺ را بزرگ‌ترین نابغه تاریخ بشر دانسته‌اند که توانسته است بدون استمداد از وحی آسمانی، دومین دین بزرگ جهان را طراحی و تأسیس کند و همه نیازمندی‌های امت و گروندگان را در عقیده و قانون تأمین نماید.

عده‌ای از مستشرقان به صورت طبیعی در پژوهش‌ها و مطالعات خویش واقعا به این نتیجه رسیده‌اند، زیرا دسترسی به منابع بیشتر و شخصیت‌های علمی مسلمان نداشته‌اند، و لذا آثار و قلم و بیان آنها لحن جانب‌دارانه و تجلیل و احیانا نقدی محترمانه بر نظریه و حیانی بودن قرآن دارد.

اما قطعا همه مدعیان نبوغ، دارای این بساطت و صداقت کم آگاهانه نیستند، و جمعی از آنان حتی پس از مشاهده یقینی برتری قرآن بر همه کتاب‌های آسمانی موجود و معجزه بودن پدیده قرآن در آن عصر توسط یک انسان امی و مشاهده بطلان و خرافه بودن تورات و انجیل کنونی و عدم مشروعیت آنها باز هم بر حقانیت عهدین موجود و غیرالهی بودن قرآن اصرار ورزیده و در هر جا به هر بهانه برای اثبات نبوغ پیامبر اکرم ﷺ و بشری بودن مصدر قرآن به استدلال و احیانا مطالعات و گاه ایراد تهمت‌ها پرداخته‌اند.

در نقد این نظریه باید گفت؛ معمولا انسان‌های نابغه که دارای ادراکات فوق العاده هستند، از آغاز کودکی نبوغ فکری آنها رفته رفته آشکار می‌گردد، در دوران کودکی سخنان مدبرانه و خردمندانه‌ای بر زبان جاری می‌کنند که در سطح بزرگسالان و فرهیختگان است، و در جوانی اظهارات و اکتشافات شگفت‌انان مشهور و معروف می‌گردد، و در سن کمال بین سی تا پنجاه سالگی به عنوان یک

نابغه و حکیم رونق و فروغ پیدا می‌کنند، این سیر صعودی از کودکی تا پیری همچنان در حال اوج‌گیری است.

اما پیامبر ﷺ در طول زندگی چهل ساله قبل از بعثت دارای هیچ‌گونه اظهارات خارق‌العاده، اکتشاف فوق‌العاده و نبوغ نبوده است. اما به مجرد حضور در غار حراء جهت مناجات با خدا، همه کمالات و توانمندی‌های فوق بشری به روح و قلب پاکش سرازیر شده و همه این تجلیات در سخنان وی متجلی شد!

این تحول شگفت‌انگیز ناگهانی اصلاً با تعریف نبوغ سازگار نیست، بلکه هر چه هست، اثر یک تصرف ملکوتی خدای عالمیان در روح یک انسان است که یک باره تمام توانمندی‌ها و کمالات را به وی هدیه می‌کند، و این عنایت چیزی جز «بعثت» نیست.

علاوه بر اینکه نبوغ دارای تعریف خاص و حوزه محدودی می‌باشد و هر کاری از نابغه ساخته نیست، چراکه «نبوغ» استعداد فوق‌العاده‌ای است که دارنده آن می‌تواند مطالبی را که افراد معمولی پس از تحقیق و تفحص و تدبر و آزمایش‌های متعدد می‌توانند به آنها دست یابند، او با سرعت بیشتر همه آن مراحل را طی کرده و «قدرت سرعت انتقال ذهن» وی را فوری متوجه آن مطالب می‌کند. بنابراین امتیاز نوابغ بر دیگران «سرعت» انتقال آنهاست. از طرفی نیز محدوده فهم و ادراکات نوابغ همان محدود در ادراکات بشری است و آنان تدبیری به سوی ادراک معارف مافوق بشری ندارند. همه کاشفان و مخترعان و نوابغ تاریخ بشر مانند سقراط، افلاطون، ارسطو، ادیسون، زکریای رازی، پاستور، بوعلی سینا، کانت، دکارت و مانند آنها توانستند هرچه زودتر به مطالبی دست یابند که دیگران پس از زحمات و تحقیقات فراوان می‌توانستند به آنها دسترسی پیدا کنند.

اما پیامبر اسلام ﷺ آیاتی را تلاوت کرد که در بردارنده مطالبی فوق دسترسی بشر بود؛ مانند: خبر از حوادث و تاریخ امت‌های گذشته مانند قوم نوح و عاد و ثمود و زندگانی حضرت آدم و نوح و ابراهیم و سلیمان و یوسف و مریم و موسی و عیسی که اثری از آن مطالب در کتاب‌های تاریخ و زیست‌شناسی باقی نمانده بود. حتی گاه خبر از اعداد و ارقام آن حوادث داده؛ مانند مدت ۳۰۹ سال خواب

اصحاب کهف و مانند پیشگویی از حوادث آینده که هیچ سندی بشری بر وقوع آنها حتی نزد هوشمندان نیز وجود نداشت، مثل پیروزی قریب الوقوع هفت یا هشت سال بعد رم بر ایران. بنابراین این گونه اطلاعات فراتر از فهم و درک و نبوغ بشری است.

۴-۵. نظریه اقتباس قرآن از تورات و کتاب‌های پیشین آسمانی

تعداد زیادی از قرآن پژوهان غربی برای گریز از تصدیق نزول وحی بر پیامبر اسلام ﷺ احتمال اقتباس معارف قرآنی از تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های آسمانی پیشین را مورد توجه قرار داده‌اند و بر این احتمال آن قدر اصرار ورزیده و به جست‌وجوی قرائن و شواهد و تشابه‌های بین معارف قرآن و تورات و مانند آن پرداخته‌اند تا قطعی بودن این احتمال را اثبات کنند.

نویسنده مقاله «تأثیر گذاری و ترتیب نزول قرآن» دایرة المعارف قرآن لیدن، «جرهارد بوئرینگ» در جلد یک، صفحه ۳۱۶، نظر مشهور غربیان را با ذکر دلایل‌شان چنین نقل می‌کنند: «یک دیدگاه گسترده در میان مورخان دین مطرح است که حاکی از آن است که علم و دانش محمد ﷺ درباره سنت تورات و انجیل منحصر و یا لااقل به لحاظ منشا اولیه، از منابع شفاهی پیدایش یافته است. این آگاهی شفاهی از طریق تفاسیر و اضافات مربوط به تورات انجیل تقویت و رشد یافته و به زبان مادری محمد ﷺ انتقال یافته است. عمده سرمنشا این سنت‌ها مربوط به «واژگان دخیل» آرامی، عبری، سریانی و اتیوپیایی است که در قرآن یافت می‌شود و در اصل این واژگان دخیل از قبل، در گفت‌وگوهای دینی عربی محیط بومی محمد ﷺ نفوذ یافته بوده است».

برنارد لوئیس یهودی در این مورد می‌گوید: «روشن است که پیامبر اسلام تحت تأثیر عقاید یهود و مسیحیت بوده است، و افکار توحیدی و وحی گرایی که در قرآن مطرح شده شاهدهی بر آن است. علاوه بر اینکه قرآن داستان‌هایی را نقل کرده که در تورات و انجیل وجود دارند. طبعاً پیامبر اسلام این داستان‌ها را غیر مستقیم از

بازرگانان و مسافرانی آموخته که از یهودیان فرا گرفته بودند». (الطیباوی، ۱۹۹۱م: ۹۹)

ریچارد بل، استاد زبان عربی دانشگاه ادینبرگ، نویسنده کتاب مقدمه قرآن می‌نویسد: «قرآن در بخش قصص به عهد قدیم تکیه داشته است. برخی از قصه‌ها مانند قصه عاد و ثمود در مصادر پیشین عربی نیز موجود بوده است، اما بیشترین منابع قصص که محمد از آنها بهره گرفته است مصادر و متون دین یهود و مسیح می‌باشد. مدت حضور محمد در مدینه فرصت مناسبی بود که بیش از دوران مکه با کتاب‌های یهود آشنا شد و برای اقلیت‌های یهودی گفت‌وگو کند و بخشی از کتاب‌های موسی را از آنان دریافت کند.» (زقزوق، ۱۳۶۸: ۸۴) ویل دورانت نیز در کتاب تاریخ تمدن همین موضوع اقتباس را ادعا می‌کند. (ر.ک، ویل دورانت، قصه الحضاره، ۲۳/۱۳)

مفصل‌ترین پژوهش که از جانب طرفداران نظریه اقتباس قرآن از تورات و انجیل و انکار و حیانی بودن انجام گرفته است، دوره سه جلدی القرآن و الکتاب تألیف «یوسف دره حداد» نویسنده مسیحی معاصر لبنانی است.

وی هدف خویش از تألیف این کتاب در مقدمه کتابش را این چنین بیان می‌کند که ثابت کند قرآن از تورات اقتباس شده و بلکه یک نوع ترجمه عربی آزاد آن به حساب می‌آید و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تغییرات و اضافاتی در آن ایجاد کرده است، بر این اساس قرآن در ادامه و استمرار تورات و دین اسلام جلوه و شعبه‌ای از آیین یهود و مسیحیت است. او مسلمانان و مسیحیان و یهودیان را به پذیرش این نظریه دعوت می‌کند و خواستار تعامل و همکاری مشترک می‌شود. ایشان کتاب را در سه محور برای سه جلد طراحی کرده است: اول اینکه ادیان و کتاب‌های آسمانی موجود در عربستان قبل از اسلام دارای همسانی فراوان با معارف قرآن و اسلام بوده و آیات قرآن از آنها اقتباس و گزینش شده است؛ دومین محور آن است که مواضع پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به تورات و کتاب‌ها و ادیان آسمانی در دوران مکه و مدینه متغیر و دچار تطور و تحول بوده است؛ سومین محور آن که قرآن معارف تورات را در بخش‌های عقاید، فقه و تصوف به زبان عربی ابلاغ نموده است.

در پاسخ به این نظریه باید گفت: اولاً در عصر ظهور اسلام کتب دیگر ادیان آسمانی به عربی ترجمه نشده بود و پیامبر اسلام ﷺ نیز زبان عبری نمی دانست، و هیچ گزارشی با عنوان دیدارهای مختلف و مبسوط عالمان مسیحی و یهودی با پیامبر اسلام ﷺ جهت انتقال معارف عهدین در تاریخ ثبت نشده است. دوماً قرآن، یهود و اهل کتاب را در ارائه کتاب آسمانی شان مورد تحدی قرار می دهد تا پیامبر اسلام ﷺ تحریف و انحراف آنان را که قرآن گزارش داده اثبات کند. این تحدی نشانه اقتباس قرآن از آنها نیست بلکه علامت اختلاف و مغایرت قرآن با برخی متون عهدین آن زمان است. از طرفی آیات مشتمل بر لعن یهودیان و تکفیر اهل کتاب و تویخ آنها می باشد که با اقتباس سازگاری ندارد. فارغ از اینکه تعدادی از کشیشان همانند «لامانس» اعتراف کرده اند که اقتباس قرآن از عهدین اصلاً امکان پذیر نیست. (مغنیه، ۱۳۹۹ق: ۸۲)

در نقد این نظریه همین کفایت می کند که مستشرقان مسیحی، عقائد انحرافی خودشان، اقتباسی از آیین های قبلی می باشد به گونه ای که تعدادی از حواریون و کشیشان بعدی تحت تأثیر عقاید غلو آمیز دیگر آیین ها قرار گرفته اند. ریشه این تفکرات را می توان در دو آیین هندو و بودا یافت. چرا که پیروان هندو معتقدند: «کریشنا» پسر خداست و دومین اقنوم از اقنوم های سه گانه است که روح خدا در او حلول کرده و او برای نجات انسان خود را فدا کرده است. کریشنا به ظاهر مرد، اما او سری از اسرار عجیب الهی است که باید پرستش شود. و بوداییان هم معتقدند که روح خدا در بودا - که فرزندی بدون پدر بود - در روز عید دمیده شد. او از ازل تا ابد باقی است، او برای نجات بشر آمد و خود را فدا کرد». (الجلیند، ۱۹۹۹م: ۳۹)

هرچند اعتقاد به تثلیث و خدا بودن یا پسر خدا بودن در نزد پیروان حضرت عیسی ﷺ در زمان حضور آن حضرت وجود نداشت، اما با گذشت زمان تعدادی از آنان تحت تأثیر آیین هندو و بودا قرار گرفته و چنین دیدگاه های افراطی را پذیرفتند.

۵-۵. نظریه فرهنگ زمانه

گروهی از قرآن‌پژوهان غربی نیز در تکاپوی آن هستند که مصدر و منبع آیات قرآن را ادیان، عقاید، آداب، فرهنگ، باورها، سنت‌ها، دانش و آگاهی‌های زمانه و مردم جزیره العرب معاصر پیامبر اسلام ﷺ معرفی کنند. آنان مدعی‌اند که پیامبر اسلام ﷺ همان عقاید جامانده از ادیان مختلف توحیدی و شرک آمیز و آگاهی‌های کشیش‌های مسیحی و احبار یهود و اندیشه‌های توحیدی دین حنیف و سنت‌های آیین بت پرستان مانند حج و طواف و نذر و توسل و قوانین معاملاتی عربها، مانند: بیع، مضاربه، مساقات و قوانین حقوق خانواده، مانند: ظهار، ارث، عقد و طلاق را در طول مدت زندگی فرا گرفته و سپس با هوش سرشار خویش آنها را تنظیم و تدوین نموده و با اندک اصلاحاتی به صورت «دین اسلام» به مردم ارائه کرده است.

یکی از مستشرقان به نام «آرکیپ» می‌نویسد: «محمد مانند هر شخصیت مصلح نوآوری از فرهنگ محیط اطراف عربستان بهره و تاثیر گرفت و پس از سامان دهی به آن اندیشه‌ها و تطبیق با نیازها و واقعیت‌های جامعه خویش توانست سخنی و پیامی برتر از اندیشه‌های رایج سرزمینش را به مردمش عرضه کند. او در این برنامه موفق بود». (الدسوقی، ۱۹۹۶: ۱۰۰)

ادعای دیگری که مستشرقان در این رابطه مورد توجه قرار داده‌اند آن است که: «پیامبر اسلام معارف اسلامی را اعم از یکتا پرستی، آخرت گرایی، قصص انبیا و نظم آیات قرآن از شعر «امیه بن ابی الصلت» گرفته است. اما برای اینکه دیگران متوجه این اقتباس نشوند، مسلمانان آن شعر را از تاریخ محو کرده و تحریمش نمودند». (همان)

در نقد و بررسی این نظریه، جای شگفتی است که مستشرقانی که با نگاه روشنفکرانه فرضیه «اثبات ناپذیری و عدم شفافیت سیره پیامبر اسلام ﷺ را مطرح می‌کنند، و در استدلال به این فرضیه، احادیث و اسناد و مدارک و کتاب‌های تاریخی را در اثبات یقینی نوع سیره و اعمال و رفتار واقعی آن حضرت کافی نمی‌دانند، چگونه ادعای نظریه فرهنگ زمانه را بدون هیچ‌گونه تاریخ و سند و مدرک یقینی

مورد قبول قرار داده‌اند. (الدسوقی، ۱۹۹۶: ۱۰۲) در حالی که از اصول اولیه در بیان نظریه علمی، بیان دلیل قطعی بر آن می‌باشد و سخنان و ادعاهای بدون دلیل هیچ‌گونه مرتبه و مقامی در مباحث علمی ندارند.

افزون بر این که مشخص نیست تاکید و پافشاری مسیحیان و یهودیان بر عدم امکان نزول وحی پیامبر اسلام ﷺ بر چه انگیزه و دلیلی بوده است. اگر چنین انکاری از ناحیه ملحدان بود که اصولاً منکر خدا و وحی و نبوت و تمام هستی ماورای ماده هستند، امکان توجیه داشت اما این که مسیحیان و یهودیانی که ادعای حضرت موسی ﷺ و حضرت عیسی ﷺ را مبنی بر نزول وحی الهی به آنان را پذیرفته‌اند، چه فرقی را بین ادعای پیامبر اسلام ﷺ و آن دو پیامبر ﷺ و یا شریعت‌های آنان قائلند که به قبول پیشینیان و انکار پسینان پرداخته‌اند؟!

اگر امکان وحی را به عنوان یک واقعیت پذیرفته‌اند، دلیل انحصار آن در حضرت موسی و عیسی ﷺ را چه می‌دانند؟ و اگر صرف وجود زمینه‌های اجتماعی هماهنگ با اندیشه‌های دینی یک مدعی نبوت، دلیل بر ساختگی بودن آن ادعاست، چرا این اشکال را برای انکار نبوت انبیای پیشین نکرده‌اند؟

همچنین اگر آیات توسط پیامبر اکرم ﷺ ساخته شده بود، باید زبان و ادبیات قرآن مانند زبان و ادبیات سخنان و مواعظ آن حضرت باشد، چراکه روان‌شناسان برآنند که اساس زبان و ادبیات سخنان هر کسی برخواسته و ناشی از ویژگی‌های شخصیتی او است در حالی که آیات شریفه قرآن با احادیث ارزشمند آن حضرت هم از جهت ادبیات و ساختار جمله‌ها و انتخاب واژه‌ها واقعا متفاوت است. (الدسوقی، ۱۹۹۶: ۱۰۷)

در نهایت در نقد این نظریه باید گفت مبارزه سرسختانه پیامبر اکرم ﷺ و سازش ناپذیر قرآن با عقاید و سنت‌ها و آداب جاهلی جزیره العرب را در صدها و هزاران آیه شریفه قرآن به وضوح نمایان است. مواضع اصلاح‌گرایانه قرآن در برابر انحرافات مردم جزیره العرب به حدی در تمام قرآن گسترانیده شده که می‌توان از قرآن با عنوان «کتاب جهاد و اصلاح در برابر فرهنگ زمانه» نام برد.

نتیجه گیری

با بررسی مطالعات مستشرقان در زمینه قرآن پژوهی و مصدر شناسی آیات قرآن به این نتیجه می‌رسیم:

الف) مستشرقان پیشگامان در ترجمه، تصحیح نسخ و گزارش اختلاف قرائت‌های قرآن و چاپ آن به زبان‌های غربی بوده‌اند. نخستین ترجمه قرآن توسط مستشرقان در تاریخ به زبان‌های غربی، در سال ۱۱۴۳م توسط کشیش بزرگ مسیحی «پطروس عالی قدر» فرانسوی انجام گردید. در سال ۱۵۴۷م. به زبان «ایتالیایی» و در قرن ۱۷ مستشرقان قرآن کریم را به زبان‌های آلمانی، هلندی، فرانسوی، انگلیسی ترجمه نمودند. رفته رفته در قرن ۱۸ به زبان روسی و در سال ۱۸۴۰م. نیز توسط مستشرقان فرانسوی با همکاری «سید محمد تیجانی» ترجمه گردید. اولین مرتبه چاپ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی سال ۱۸۳۷ میلادی در کلکته بوده است، در حالی قرآن کریم، این کتاب آسمانی ما مسلمانان از سیصد سال قبل از آن یعنی از سال ۱۵۴۳ میلادی به ترتیب به زبان‌های لاتین، ایتالیایی، آلمانی، هلندی، فرانسوی، انگلیسی روسی، یونانی، اردو و مجاری بارها چاپ شد و به تعبیر دیگر قبل از ایرانیان مسلمان، غربیان و مسیحیان و یهودیان اروپایی به مطالعه مستقیم قرآن می‌پرداختند.

در رابطه با هدف مستشرقان در ترجمه، تصحیح نسخ و گزارش اختلاف قرائت‌های قرآن و چاپ آن، گرچه نباید درباره همه مترجمان یک نواخت داوری کرد، اما انگیزه اکثر آنان را بر طبق اعترافاتشان، واکنش به ایمان پیروان مسیحیت با کشف و تبیین نقاط ضعف قرآن، عدم تغییر عقیده آنان در برابر جاذبه‌های ناچیز قرآن، القا تحریف و بشری بودن و در حقیقت یک حرکت دفاعی از ناحیه کاتولیک بر ضد اسلام دانست.

ب) از دیگر فعالیت‌های مهم مستشرقان در سال‌های اخیر، اقدام به تألیف دایرة المعارف ویژه قرآن به مسئولیت خانم «جین دمن مک اولیف» در کشور هلند است. ایشان انگیزه تألیف این دائرة المعارف را فراهم کردن زمینه تحقیق گسترده در مورد

قرآن و در دسترس قرار دادن گنجینه گسترده پژوهش‌های قرآنی به زبان اروپایی برای طبقه عالمان متخصص و نیز فرهیختگان بیان می‌کند. دور از ذهن نیست که بیشتر حجم قرآن پژوهی‌های پشتیبانی شده از ناحیه دولت‌های غربی یا کلیساها آن هم در سطح دایره المعارف قطعاً دارای اهداف استعماری و یا صلیبی ضد اسلامی نیز می‌باشد.

ت) درباره تعیین مصدر و منبع و منشأ آیات قرآن کریم مستشرقان پنج نظریه را ارائه داده‌اند و هر طیفی یکی از این نظریات را پذیرفته‌اند.

برخی از مستشرقان همانند: دکتر موریس بوکای فرانسوی، جان دیون پورت انگلیسی، شهید دکتر ادوارد انیلی ایتالیایی منشأ قرآن کریم را وحی صریح الهی دانسته‌اند. آنان پس از بررسی‌های علمی فراوان از آیین سابق مسیحیت یا یهودیت یا مانند آن دست برداشته و دین مبین اسلام را رسماً پذیرفتند.

گروهی دیگر از مستشرقان مانند پروفیسور هانری کربن فرانسوی، ایزوتسوی ژاپنی، توماس کارلایل اسکاتلندی و جرجی زیدان مسیحی به این نتیجه رسیدند که معارف قرآن آنقدر عالی و منطبق با آموزه‌های الهی است که قطعاً یک نوع پیوندی با خدا دارد و احیاناً به نحوی مورد عنایت و لطف خدا بوده است. اما آنان تصریحی به نزول وحی خداوند بر حضرت محمد و منشأ مستقیم و حیانی آیات قرآن نکرده‌اند، و لذا قرآن را یک کتاب آسمانی و حیانی و اسلام را به عنوان آخرین دین الهی ندانسته و به آن نگروده و همچنان بر آیین مسیحی یا یهودی خویش باقی مانده‌اند.

جمعی دیگر از قرآن‌پژوهان نظریه «نبوغ» را اختیار کرده و حضرت محمد ﷺ را بزرگ‌ترین نابغه تاریخ بشر دانسته‌اند که توانسته است بدون استمداد از وحی آسمانی، دومین دین بزرگ جهان را طراحی و تأسیس کند و همه نیازمندی‌های امت و گروندگان را در عقیده و قانون تأمین نماید. در نقد این نظریه نیز به تفصیل بیان شد که این تحول شگفت‌انگیز ناگهانی اصلاً با تعریف نبوغ و همچنین با محدوده فهم و ادراکات نوابغ سازگاری ندارد.

تعداد زیادی از قرآن پژوهان غربی احتمال اقتباس معارف قرآنی از تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های آسمانی پیشین را مورد توجه قرار داده‌اند. عمده سرمنشا آن را مربوط به «واژگان دخیل» آرامی، عبری، سریانی و اتیوپیایی می‌دانند که در قرآن یافت می‌شود. علاوه بر اینکه قرآن داستان‌هایی را نقل کرده که در تورات و انجیل وجود دارند. لذا ادعا می‌کنند منابع قصص که پیامبر اکرم ﷺ از آنها بهره گرفته است مصادر و متون دین یهود و مسیح می‌باشد. در نقد این نظریه توضیح داده شد که اولاً ترجمه نشده بودن کتب دیگر ادیان آسمانی به زبان عربی در عصر ظهور اسلام و عبری ندانستن پیامبر اسلام ﷺ، عدم ثبت گزارشی با عنوان دیدارهای مختلف و مبسوط عالمان مسیحی و یهودی با پیامبر اسلام ﷺ جهت انتقال معارف عهدین در تاریخ؛ دوماً مورد تحدی قرار دادن یهود و اهل کتاب در ارائه کتاب آسمانی‌شان که نشانه عدم اقتباس قرآن از آنها و از طرفی آیات مشتمل بر لعن یهودیان و تکفیر اهل کتاب و توبیخ آنها که با اقتباس سازگاری ندارد. فارغ از اینکه مستشرقان مسیحی، عقائد انحرافی خودشان، اقتباسی از آیین‌های قبلی می‌باشد به گونه‌ای که تعدادی از حواریون و کشیشان بعدی تحت تأثیر عقاید غلو آمیز دیگر آیین‌ها قرار گرفته‌اند. گروهی از مستشرقان نیز مصدر و منبع آیات قرآن را ادیان، عقاید، آداب، فرهنگ، باورها، سنت‌ها، دانش و آگاهی‌های زمانه و مردم جزیره العرب معاصر پیامبر اسلام ﷺ معرفی می‌کنند. در بررسی این نظریه گفته شد که اصول اولیه در بیان نظریه علمی، بیان دلیل قطعی بر آن می‌باشد و جای شگفتی است که مستشرقانی که با نگاه روشنفکرانه فرضیه «اثبات ناپذیری و عدم شفافیت سیره پیامبر اسلام ﷺ» را مطرح می‌کنند، چگونه ادعای نظریه فرهنگ زمانه را بدون هیچ‌گونه تاریخ و سند و مدرک یقینی مورد قبول قرار داده‌اند. علاوه بر اینکه اگر آنان امکان وحی را به عنوان یک واقعیت پذیرفته‌اند، دلیل انحصار آن در حضرت موسی و عیسی ﷺ را چه می‌دانند؟ و اگر صرف وجود زمینه‌های اجتماعی هماهنگ با اندیشه‌های دینی یک مدعی نبوت، دلیل بر ساختگی بودن آن ادعا است، چرا این اشکال را برای انکار نبوت انبیای پیشین نکرده‌اند؟ همچنین اگر آیات توسط پیامبر

اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ساخته شده بود، باید زبان و ادبیات قرآن مانند زبان و ادبیات سخنان و مواعظ آن حضرت باشد، در حالی که آیات شریفه قرآن با احادیث ارزشمند آن حضرت هم از جهت ادبیات و ساختار جمله‌ها و انتخاب واژه‌ها واقعا متفاوت است. علاوه بر اینکه مبارزه سرسختانه پیامبر اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سازش ناپذیر قرآن با عقاید و سنت‌ها و آداب جاهلی جزیره العرب را در صدها و هزاران آیه شریفه قرآن به وضوح نمایان است.

فهرست منابع

– قرآن کریم

۱. شوقی، ابوخلیل، (۱۹۹۰م)، *غوستاولوبون فی المیزان*، بیروت: دارالفکر.
۲. الجلیند، محمد السید، (۱۹۹۹م)، *الاستشراق و التنبیر قراءه تاریخیه موجزه*، القاهره: دارقبا.
۳. الدسوقی، محمد، (۱۹۹۶م)، *الفکر الاستشراقی تاریخیه و تقویمه*، قم: التوحید.
۴. الصغیر، محمدحسین علی، (۱۳۷۲ش)، *خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی*، ترجمه محمد صادق شریعت، موسسه مطلع الفجر.
۵. الطیب‌اوی، عبد اللطیف، (۱۹۹۱م)، *المستشرقون الناطقون بالانجلیزیه - دراسه تقدیه*، ترجمه قاسم السامرائی، عربستان: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
۶. الوری، محسن، (۱۳۸۱ش)، *مطالعات اسلامی در غرب*، سازمان سمت.
۷. انوری، حسن، (۱۳۸۲ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن، دوم.
۸. ایزوتسو، توشی هیکو، (۱۳۶۸ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. بدیعی، ربیع، (۱۳۶۲ش)، *جغرافیای مفصل ایران*، تهران: انتشارات اقبال.
۱۰. بروکلیمان، کارل، (۱۹۸۸م)، *تاریخ الشعوب الاسلامیه*، نیبه امین فارس، بیروت: دارالعلم للملایین، دوازدهم.
۱۱. بوکای، موریس، (۱۳۷۲ش)، *مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم*، مهندس ذبیح الله دبیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. بینارقی، عصمت، (۱۳۷۳ش)، *کتابشناسی جهانی ترجمه‌ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید به ۶۵ زبان از ۱۵۱۵م تا ۱۹۸۰م*، ترجمه محمدآصف فکرت، آستان قدس رضوی.
۱۳. حاج، ساسی سالم، (۲۰۰۲م)، *نقد الخطاب الاستشراقی*، بیروت: دارالمدار الاسلامی.
۱۴. حتی، فیلیپ، (۱۳۴۴ش)، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز: کتابچی.
۱۵. حداد، یوسف، (۱۹۸۲م)، *القرآن و الكتاب: بیئه القرآن الکتبیه*، بیروت: منشورات المکتبه البولسیه، الثانیه.
۱۶. حسینی طباطبایی، مصطفی، (۱۳۷۵ش)، *نقد آثار خاورشناسان*، تهران: انتشارات چاپخش.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، دوم.
۱۸. زقزوق، محمود حمدی، (۱۴۰۹ق)، *الاستشراق و الخلیفه الفکریه للصراع الحضاری*، قاهره: دارالمنار.

۱۹. زمانی، محمدحسن، (۱۳۸۵ش)، مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن، قم: بوستان کتاب.
۲۰. شایگان، داریوش، (۱۳۷۹ش)، هانری کرین: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر پرهام، فرزانه روز.
۲۱. صادقی، تقی، (۱۳۷۹ش)، رویکرد خاورشناسان به قرآن، فرهنگ گستر.
۲۲. عبدالعال، اسماعیل سالم، (۱۹۹۰م)، المستشرقون والقرآن، مکه: سلسله دعوه الحق لرابطه العالم الاسلامی.
۲۳. الطهطاوی، محمد عزت، (۱۴۱۱ق)، التبشیر و الاستشراق؛ احقاد علی النبی محمد ﷺ و بلاد الاسلام، قاهره: الزهراء.
۲۴. فوزی، فاروق عمر، (۱۹۹۸م)، الاستشراق و التاريخ الاسلامی، اردن: الاهلیه للنشر.
۲۵. فوک، یوهان، (۲۰۰۱م)، تاریخ حرکت الاستشراق الدراسات العربیه و الاسلامیه فی اروپا حتی بدایه قرن العشرين، ترجمه عمر لطفی العالم، لیبی، بنغازی: دارالمدار الاسلامی، دوم.
۲۶. قطب، محمد، (۱۹۹۹م)، المستشرقون والاسلام، قاهره: مکتبه وهبه.
۲۷. کارلایل، توماس، (بی تا)، الابطال، تعریب محمد السباعی، مکتبته الهلال، دوم.
۲۸. کونستان ویرژیل، گیورگیو، (۱۳۴۲ش)، محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ذبیح الله منصور، امیرکبیر.
۲۹. گریک، کینت، (۱۳۶۹ش)، قرآن را چگونه شناختم، ترجمه ذبیح الله منصور، انتشارات مجید، دوم.
۳۰. لایوم، زول، (۱۳۳۵ش)، تفصیل آیات القرآن الکریم، تعریب محمد فواد عبدالباقی، کتابفروشی اسلامیة.
۳۱. عبدالباقی، محمد فواد، (بی تا)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قم: اسماعیلیان.
۳۲. عبداللهی خوروش، حسین، (۱۳۶۲ش)، فرهنگ اسلام شناسان خارجی، اصفهان: موسسه مطبوعاتی مطهر.
۳۳. معین، محمد، (۱۳۷۱ش)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، هشتم.
۳۴. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۹۹ش)، شبهات الملحدين و الاجابه عنها، بیروت: مکتبه الهلال.
۳۵. وات، مونتگمری، (بی تا)، محمد ﷺ فی المدینه، تعریب شعبان برکات، بیروت: المکتبه العصریه.
36. Encyclopaedia of the Qu'ran. Jane Dammen McAuliffe Brill .Leiden. Bostan 2000.
- مقاله:
- اسکندرلو، محمدجواد، (۱۳۸۲ش)، «معرفی و نقد دایره المعارف قرآن لیدن، قیسات، ۲۹/ ص ۲۶۷-۲۸۵.